نفی استحباب خاص با تعبیر « فأما و لیس علة و لاشبهة، فلا» در روایت ابن خالد

شاگرد: در «لا» اول چه احتمالاتی هست؟

استاد: یک احتمال این بود که «لا وفق له»، یعنی مجزی نیست. «لا» یعنی «لا یستحب». از «لا» دوم که صحت روزه را فهمیدیم، با سائر روایات و شواهد جلو میرویم. وقتی به اینجا رسیدیم که از «لا» دوم استحباب و اجزاء را بهطور واضح استفاده کردیم، میماند که «لا» اول به چه معنا است. اما «فلا علة و لاشبهة، فلا»، این «لا» به چه معنا است؟ مگر شما نمیدانید که مستحب است؟ او که مستحب بجا آورده است. مگر نمیگویید که مجزی است؟ خب روزه مجزی را به جا میآورد. چرا امام علیهالسلام این «لا» را فرمودند؟ آن چه که الآن میخواهم عرض کنم، این است:

شاگرد: پس هر دو احتمال در «لا» اول در شد؟ نه نفی توفیق است و نه نفی استحباب؟

استاد: بله. با این قرائنی که از «لا» دوم شروع کردیم، «لا» اول به چه معنا است؟ ببینید ما یک احتیاطی داریم که شارع مقدس به آن ترغیب کرده، به همه متشرعه گفته که تا ممکن است، احتیاط کنید. احتیاط تحت عمومات. کلی احتیاط برای مؤمن در شرع خوب است. به این میگوییم احتیاط مندرج تحت عمومات احتیاط. این را داریم. این «لا» که در اینجا محل انتظار است و تشویق امام علیهالسلام بوده و امام علیهالسلام در این روایت میگویند، این است: میگویند شارع گاهی در موارد خاصهای و برای جهات خاصی، ترغیب خاصی به احتیاط میکند. یعنی خود شارع میگوید که در اینجا جای احتیاط است. خود شارع کلمه «اینجا» را میگوید. یک وقتی است که کلی میگوید احتیاط خوب است اما یک وقتی میگوید که احتیاط در اینجا خوب است.

مثلاً در اموال و نفوس میگوید:ای متشرعه در نفس احتیاط کنید. ببینید دارد خودش اسم میبرد. این یعنی احتیاط خصوصی بهخاطر مورد نفس. مال از حق الناس است، احتیاط کنید. یعنی دارد خود مورد خاص را دلیل خاص برای احتیاط خاص میگیرد؛ یعنی ترغیب به احتیاط خاص میکند در یک حوزه معین. این نکته بسیار مهم است؛ ترغیبات خاصه شارع. با این مقدمهای که از «لا» دوم شروع کردیم استظهار حدیث از «لا» اول خیلی روشن میشود. یعنی گمانت نرسد جدا که به احتیاط ترغیب کردند، ترغیب خاص کردند حتی در روزی که لاشبهة و لاعلة. این دیگر خیلی روشن است. رفتی و استهلال کردی، نه ابر بود و نه چیزی. شبهه هم نبود، حضرت میفرمایند در اینجا ترغیب احتیاط خاص نیست. مقابلش جایی است که یا علت است و یا شبهه است که شارع زائد بر

عموماتِ احتیاط، تأکید کرده است. چه کار کرده؟ گفته «احب الی». «احب الی» را در مورد فرموده است، نه تحت احتیاطات مطلق. «صوموا سرّالله»؛ در اینجا دارد به نحو ترغیب خاص، برای صوم الشک ترغیب می‌کند. اینها را مرغبات خاصه می‌گوییم.

این روایت معمر بن خلاد به‌طور واضح دارد یک تفصیل زیبایی را می‌گوید. می‌گوید اگر شما مرغبات خاصه‌ای را در صوم الشک شنیدید، برای آن جایی است که علت و شبهه هست. و الا اگر علت و شبهه نبود، نیست. بله، عموماتِ احتیاط و عموماتِ استحباب سر جای خودش است. ترغیب خاص نیست، به‌عنوان صوم الشک.

شاگرد: پس استحبابی هم که از ناحیه «ال» دوم فرمودید... .

استاد: استحبابی می‌شود تحت عموماتِ استحباب احتیاط و شک شأنی. نه شک خاصه‌ای که شارع به آن ترغیب خاصه بکند. یعنی هر کجا شک هست، احتیاط خوب است.

شاگرد۲: چرا «ال» دوم را عموماتِ شعبان نمی‌گیرید؟ یعنی استحباب به‌عنوان عموماتِ شعبان باشد.

استاد: به‌خاطر این‌که ما هم در کلمات فقها داشتیم و هم روایات مطلقه‌ای داشتیم که «صوم الثلاثین من شعبان یستحب صومه»، ندا‌شت صوم الثلاثینی که شب قبلش هوا صاف بود.

شاگرد: استحبابش را از باب عموماتِ شعبان می‌گیریم.

استاد: نه، من می‌خواهم احتیاط آن را بگویم. ببینید عموماتِ استحباب صوم شعبان اصلا صبغه احتیاط ندارد. بیستم ماه شعبان، یستحب صومه، احتیاط هم هست یا نیست؟ احتیاط نیست. اما ثلاثون شعبان دو حیث دارد. هم صوم صوم شعبان است که عموماتِ استحباب ایام شعبان شامل آن است و هم شأنیت این را دارد که اول ماه مبارک باشد. پس معنون به‌عنوان احتیاط است.

شاگرد: یعنی شما می‌فرمایید سه عنوان دارد، یک عنوان شعبان، یک عنوان عموماتِ احتیاط و یک عنوان احتیاط خاص.

استاد: بله.

شاگرد: برای این‌که عموماتِ احتیاط باشد، شاهد روائی هم داریم؟ یا تنها می‌خواهید به فتوا استنادان کنید؟

استاد: بله، عرض کردم «لان اصوم یوما من شعبان احب الی من ان افطر یوما من شهر رمضان». مضمون این روایت این است که شعبان طوری است که یک روز، هم می‌تواند شعبان باشد و هم می‌تواند افطار ماه مبارک باشد، اگر روزه نگیرند. لذا این سه جهت مهم شد، امام علیه‌السلام در روایت معمر بن خلاد یک تفکیک بسیار ظریفی را تذکر می‌دهند و می‌گویند من نمی‌خواهم بگویم که مستحب نیست، بلکه افطار نکن. هم استحبابش هست و هم اجزائش هست. اما بدانید در شرع مقدس ترغیب خاص برای صوم الشک جایی است که شک بالفعل باشد. وقتی شک بالفعل است، شارع آستین بالا زده و گفته، احتیاط کنید و روزه بگیرید. و الا وقتی هوا صاف است، شارع آستین خاص بالا نزده که بگوید برو روزه بگیر. این مفاد فقه الحدیثی است که عرض کردم از روایت معمر استفاده می‌کنید. نکته انطلاق آن «ال» دوم است. یعنی وقتی زیر «ال» دوم خط کشیدیم و این توضیحی که عرض کردم جلو رفتیم، مطمئن می‌شویم که «ال» اول نمی‌خواهد نفی استحباب بکند. نمی‌خواهد نفی اجزاء بکند. می‌خواهد نفی احتیاط مرغّبه خصوصی را بکند. نفی احتیاط خاص بکند. نفی استحباب خصوصی بکند که پشتوانه آن احتیاط خاص

است. این حاصل عرض من در روایت معمر است.

بازبینی #1
ایجاد شده 19 مه 2026 13:23:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 مه 2026 13:24:29 توسط ... .